

تبیین رابطه گناهان جدید در بروز بلایای جدید در جوامع بشری

حمید کریمی*

چکیده

پیدایش ویروس کرونا تحولات شگرفی را در جهان پدید آورد. با ظهور این بیماری و ناتوانی انسان‌ها در مقابله با آن، پرسش‌هایی مطرح شد، مانند این که آیا این بیماری نوعی عذاب الهی است؟ آیا کرونا صرفاً یک پدیده طبیعی است یا یک شر اخلاقی و ناشی از اعمال انسان‌هاست؟ آیا تبیین‌های علوم تجربی با رابطه غیبی بین گناهان و بلایا منافاتی دارد؟ و بالاخره پرسش اصلی این است که آیا ممکن است این بیماری واگیردار جدید نتیجه گناهان جدید بشر است؟ مقاله پیش‌رو با استفاده از آیات قرآن و روایات معصومان (علیهم‌السلام) و با روش تحلیلی و نقلی درصدد اثبات این است که گناهان جدید بشر به‌طور قطع در پیدایش بلایای طبیعی و غیرطبیعی جدید مؤثر هستند. توجیهات علوم تجربی تعارضی با تحلیل‌های معنوی ندارد و دانش روز نمی‌تواند تأثیر غیرمادی رفتارهای بشر را در پیدایش برخی امور نفی کند. لذا تأثیر برخی از گناهان جدید در پیدایش مدل جدید از عذاب به‌طور دقیق نمی‌توان اثبات کرد. همان‌گونه که ناشی شدن یک بلا و بیماری جدید را نمی‌توان نتیجه قطعی یک گناه بی‌سابقه دانست.

واژگان کلیدی: گناه، بلا، فساد، شر طبیعی.

مقدمه

پیدایش ویروس کرونا در ماه‌های اخیر تحولات شگرفی را در جهان پدید آورد و اتفاقاتی را رقم زد که در تاریخ بشریت کم‌سابقه بود. این بیماری واگیردار موجب ضررهای هنگفت مالی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و انسانی شد. با ظهور این بیماری ناشناخته و جدید و ناتوانی انسان‌ها در مقابله با آن، پرسش‌هایی مطرح شد، از جمله این که آیا این بیماری نوعی عذاب الهی است؟ آیا کرونا صرفاً یک پدیده طبیعی است یا یک شر اخلاقی و ناشی از اعمال انسان‌هاست؟ آیا ممکن است این بالای جدید نتیجه گناهان جدید بشر باشد؟ اساساً آیا ربطی بین اعمال خوب و بد انسان‌ها و رخدادهای طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان، صاعقه، قحطی، بیماری و آفات وجود دارد یا نه؟ آیا مکانیسم مادی علت و معلول و تبیین‌های علوم تجربی با رابطه غیرمادی بین گناهان و بلایا منافاتی دارد؟ آیا نمی‌توان سیل را ناشی از ریزش شدید باران بر دامنه خشک ارتفاعات دانست، در عین حال اعمال بد انسان‌ها نیز یا علت هم‌عرض برای سیل باشد یا علت بعید و طولی برای سیل باشد؟!

این گونه پرسش‌ها و ابهاماتی که در ذهن بسیاری از مردم مطرح شده، موجب شد تا در این نوشتار به تبیین و بررسی رابطه احتمالی گناهان جدید بشر با بروز بلایای طبیعی جدید در جوامع بشری پرداخته شود. درباره آثار گناهان در قرآن و روایات، کتب و مقالاتی وجود دارد، اما درباره موضوع خاص این مقاله، تنها یک جلسه درس از یکی از اساتید بزرگ حوزه یافت شد.

برای این که پاسخ پرسش اصلی روشن شود، ابتدا باید تأثیر اعمال انسان اعم از گناه و طاعت در جهان اطراف و رخدادهای طبیعی و کیفیت تحلیل این رابطه در کنار تبیین‌های علوم تجربی را بازخوانی نمود.

معنا و ماهیت گناه

گناه به معنی خلاف است و در اسلام و سایر ادیان الهی هر گونه کاری که برخلاف فرمان خداوند باشد، گناه محسوب می‌شود. نافرمانی یا با ترک اوامر الهی؛ یعنی واجبات و یا با انجام نواهی؛ یعنی محرمات است. گناه هر چند کوچک باشد، چون



نافرمانی خدا است، بزرگ است. در متون دینی از گناه با تعبیر مختلفی مانند عصیان، ذنب، اثم، ظلم و فسق یاد می‌شود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در سخنی به ابوذر فرمود: کوچکی گناه را ننگر، بلکه آن را بنگر که از چه کسی نافرمانی می‌کنی (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۲۸).

اما براساس یک رویکرد دیگر و نسبت سنجی بین گناهان، گناه یا کبیره است یا صغیره. قرآن می‌فرماید: اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می‌شوید پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می‌پوشانیم و شما را در جایگاه خوبی وارد می‌سازیم (نساء: ۳۱). گناه را می‌توان به گناه اخلاقی مانند حسادت یا تکبر، دزدی و دروغ و نیز گناه دینی مثل ترک نماز و روزه واجب تقسیم کرد.

حقیقت گناه و ناسازگاری با نظام خلقت

براساس نگاه کلامی فلسفی، وقتی خداوند متعال مبدأ همه موجودات و خالق همه قوانین حاکم بر هستی است و هیچ موجودی در عالم بر خلاف میل و اراده الهی حرکت نمی‌کند، حرکت استثنایی انسان و جن که خداوند به آنها اختیار عطا کرده است در هنگام نافرمانی، تنها حرکت خلاف نظام حاکم بر هستی است. اگر خداوند حکیم و رحیم است و جهان را براساس صفات و اسماء مبارک خود اداره می‌کند، پس تحقق اراده خلاف اراده حق، باطل است و موجب فساد و بهم‌ریختن نظم عالم.

قرآن کریم آسمان و زمین و ستارگان را مطیع فرمان الهی می‌داند (فصلت: ۱۱-۱۳) از این‌رو در کتاب تدوین الهی، گناهان بشر را موجب پیدایش فساد و آشوب در خشکی و دریا می‌شمارد: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾؛ «فساد، در خشکی و دریا به‌خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمال‌شان را به آنان بچشاند، شاید (به سوی حق) بازگردند!» (روم: ۴۱) «باء» در «بما کسبت» باء سببیت است؛ یعنی به‌سبب اعمال انسان‌ها (طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۶، ص ۱۹۶).

کما این که ایمان و تقوا موجب نزول برکات آسمان و زمین می‌شود: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا

كَانُوا يَكْسِبُونَ * أَفَأَمِنْ أَهْلُ الْقُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ * أَوْ أَمِنْ أَهْلُ الْقُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ ﴿٩٨﴾ ؛ «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمال‌شان مجازات کردیم. آیا اهل این آبادی‌ها، از این ایمنند که عذاب ما شبانه به سراغ آن‌ها بیاید، در حالی که در خواب باشند؟! آیا اهل این آبادی‌ها، از این ایمنند که عذاب ما هنگام روز به سراغ‌شان بیاید در حالی که سرگرم بازی هستند؟!» (اعراف: ۹۸-۹۶).

«برکات» به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان با نبود آن‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرد.

در جمله ﴿لَفَتَّحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ استعاره به کنایه به کار رفته، برای این که برکات را به مجرای تشبیه کرده که نعمت‌های الهی از آن مجرا بر آدمیان جریان می‌یابد، باران و برف هر کدام در موقع مناسب و به مقدار نافع می‌بارد، هوا در موقعش گرم و در موقعش سرد شده و در نتیجه غلات و میوه‌ها فراوان می‌شود و این برکات مسبب و ناشی از ایمان و تقوای مردم است (طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۸، ص ۲۰۱)، البته این زمانی است که مردم به خدای خود ایمان آورده و تقوا پیشه کنند و گرنه این جریانش بسته و قطع می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۵۵).

معنای بلایای طبیعی و فساد

شروع و بلایا در جهان یا منشأ انسانی دارد مانند قتل، غارت، دزدی و تجاوز به حقوق دیگران (شر اخلاقی) یا مبدأ انسانی ندارد مثل سیل، زلزله، طوفان، گرما و سرمای شدید، خشکسالی و قحطی، صاعقه، هجوم جانوران و آفت‌های گیاهان (شر طبیعی).

منظور از بلایا در این بحث بلایایی است که در ظاهر و به‌طور مستقیم منشأ انسانی ندارد و شر طبیعی شمرده می‌شود. در این موارد کاری که انسان با بهره‌گیری از علم و قدرت خدادادی می‌تواند انجام دهد این است که با مقاوم‌سازی یا ساختن شهر و منازل در مکان مناسب، از جریان سیل در شهر یا تخریب ساختمان‌ها جلوگیری کند یا خسارت‌های مادی سیل و زلزله را کاهش دهد.



علت و معلول و اقسام آن

اگر موجودی نیازمند به موجود دیگر باشد و وجودش مشروط به وجود دیگری باشد به آن معلول می‌گویند و به برآورنده نیاز علت می‌گویند. اصل عقلی علت می‌گوید: هر معلولی دارای علت است یا هر موجود نیازمندی، دارای علت است.

علت از جهتی به علت تامه و ناقصه تقسیم می‌شود.

علت تامه، مجموعه اسباب و شرایطی است که وجود معلول به آن‌ها نیازمند است.^[۸]

(آتش $\Rightarrow$ عدم رطوبت + کبریت + اکسیژن + چوب)

و علت ناقصه، بخشی از اجزائی است که برای وجود معلول لازم است؛ یعنی زیرمجموعه‌های مجموعه چهار عضوی فوق)

علت از جهتی دیگر به علت حقیقی و اعدادی (مجازی) تقسیم می‌شود:

علت حقیقی آن است که وجود و بقايش برای وجود و بقاء معلول لازم است، مانند: آجر و سیمان برای دیوار.

علت اعدادی آن است که بقايش برای بقاء معلول لازم نیست، مثل: بنا و کارگر برای دیوار.

و نیز علت از سوی دیگر در مورد موجودات مادی، بر سه یا چهار قسم است:

الف) علت فاعلی که انجام دهنده کار است و معلول از آن پدید می‌آید، مثل: نجار برای میز و صندلی.

ب) علت غایی، انگیزه فاعل برای انجام کار است، مثل: ساختن صندلی به قصد استراحت بر روی آن.

ج) علت مادی، که زمینه و عناصر تشکیل دهنده معلول است، مثل: چوب برای پیدایش صندلی.^[۹]

و علت صوری که صورت و فعلیت محقق شده در ضمن ماده است و منشأ آثار مختلف می‌گردد، مثل: شکل صندلی یا صورت گیاهی.

گاهی مراد از علت فاعلی، فاعل طبیعی است که منشأ حرکت و دگرگونی اجسام و حالات است، مانند: نجار و صنعت‌گر و کارهای معمولی که ما انجام می‌دهیم و گاهی مراد فاعل الهی و علت هستی‌بخش است که مانند نجار از چوب و میخ، صندلی

نمی‌سازد؛ بلکه چوب و میخ و همه آن‌چه برای تحقق صندلی لازم است، می‌آفریند (مصباح یزدی، ۱۳۶۶، ج ۲، درس ۳۱، ص ۱۶-۲۱؛ عبودیت، ۱۳۹۶، ص ۲۱۲-۲۱۸؛ کریمی، ۱۳۹۷، ص ۱۹-۱۶).

از طرفی علت به علت منحصره و غیرمنحصره تقسیم می‌شود، علت منحصره به علتی می‌گویند که معلول آن فقط ناشی از یک علت خاص است، مانند این که رطوبت فقط ناشی از آب است و اگر معلول ناشی از علل مختلف باشد، به آن علت، علت غیرمنحصره و یا جانشین پذیر گفته می‌شود، مثل این که حرارت یا ناشی از آتش است و یا ناشی از اصطکاک است.

در این بخش به چند نکته تکمیلی در رابطه با علم و دین اشاره می‌شود؛ باید دانست که علم زبان نفی ندارد. علم فقط می‌تواند رابطه بین «الف» و «ب» را به کمک عقل کشف کند و بگوید «الف» موجب پدید آمدن «ب» می‌شود. اما این که «ب» از علت دیگر پدید نمی‌آید؛ علم چنین سخنی هرگز نمی‌تواند به زبان آورد. لذا در بحث پیش‌رو علم نمی‌تواند نفی کند و بگوید فلان بیماری و بلا ناشی از علل غیرمادی و گناهان یا حتی علت مادی دیگری - غیر از آن‌چه من یافته‌ام - نیست. (گلشنی، ۱۳۹۸، ص ۲۱۹؛ سبحانی، ۱۳۷۴، شماره ۱۴، ۱۳۷۴).

بنابراین براساس نگرش توحیدی و الهی به جهان، هر معلول مادی یا یک علت مادی دارد - چنان که نگرش مادی و علوم تجربی می‌گویند - یا یک علت غیرمادی دارد. دین آمده است تا دامنه علم و بینش ما را از چارچوب ماده فراتر برده و قضایای فرامادی و آن‌چه را که ما نمی‌بینیم و نمی‌فهمیم با واسطه انبیا آموزش دهد.

آثار دنیوی و اخروی گناه در قرآن

در قرآن، ده‌ها آیه پیرامون آثار و کیفر گناه آمده و در این‌جا به ذکر چند نمونه می‌پردازیم.

ابتدا آیات مربوط به کیفر در دنیا:

الف) در آیه ۵۹ بقره خداوند می‌فرماید: «پس بر ستمگران به‌خاطر فسق و نافرمانی، عذابی از آسمان فرستادیم». در جای دیگر می‌فرماید: «خداوند می‌خواهد



آن‌ها را به پاره‌ای از گناهانشان مجازات کند» (مائده: ۴۹)؛ «آن‌ها را به‌خاطر گناهانشان نابود ساختیم» (انعام: ۶)؛ «آن‌ها را به کیفر اعمال‌شان مجازات کردیم» (اعراف: ۹۶)؛ «این خانه‌های آن‌ها است که به‌خاطر ظلم و ستم‌شان خالی مانده است» (نمل: ۵۲)؛ «آن‌ها به‌خاطر گناهانشان، غرق شدند» (نوح: ۳۵)؛ «آن‌ها (قوم ثمود) را به‌خاطر گناهانشان در هم کوبید و سرزمین‌شان را صاف و مسطح کرد» (شمس: ۱۴)؛ «خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن‌که آن‌ها خود را تغییر دهند» (رعد: ۱۱)؛ «چنین نیست که آن‌ها می‌پندارند، بلکه اعمال‌شان همانند زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است» (مطففین: ۱۴)؛ «و هر گرفتاری که به شما رسد، به‌خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید و بسیاری را نیز عفو می‌کند» (شوری: ۳۰).

آثار گناه در آخرت:

ب) «آنان که اعمال بدی انجام دهند، به رو در آتش افکنده می‌شوند، آیا جزائی جز آن‌که عمل می‌کردید خواهید داشت» (نمل: ۹۰).

«و هر کس نافرمانی خدا و رسولش کند، آتش دوزخ از آن او است، جاودانه در آن می‌مانند» (جن: ۲۳)؛ «گنه‌کار دوست می‌دارد که فرزندان خود را در برابر عذاب آن روز فدا کند - و (نیز) همسر و برادرش را - و قبیله‌اش را که همیشه از او حمایت می‌کردند - و تمام مردم روی زمین را تا مایه نجاتش شود. اما هرگز چنین نیست، شعله‌های سوزان آتش است که دست و پا و پوست سر را می‌کند و می‌برد» (معارج: ۱۶-۱۱).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در آیات متعددی نتایج دنیوی و اخروی گناهان انسان ذکر شده است. پس آن‌چه انسان در دنیا از اعمال خوب و بد می‌کارد، بدون شک ثمراتی دارد که نتایج بی‌چون و چرای اعمال اوست.

رابطه گناه و بلا در روایات

براساس مضمون روایات متعدد، هر نکبت و بلایی که به انسان می‌رسد نتیجه گناهان و کسب انسان است و البته بسیاری را هم خداوند می‌بخشد و الا همه انسان‌ها نابود می‌شدند. قرآن می‌فرماید: «هر مصیبتی به شما رسد به‌خاطر اعمالی است که انجام

داده‌اید و بسیاری را نیز عفو می‌کند!» (شوری: ۳۰).

گناه گاهی موجب کم شدن روزی می‌شود (غیر از اهل استدراج)؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۷۰ و ۲۷۱)؛ گناه موجب تأخیر یا ندادن حاجت و دعای انسان می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۷۱)؛ مقدار باران ثابت است و با گناه اهالی زمین، خداوند باران منطقه را جابه‌جا می‌کند (همان، ص ۲۷۲)؛ گناه موجب محرومیت از نماز شب می‌شود (همان)؛ گناه قلب و دل را سیاه می‌کند؛ خداوند نعمت را نمی‌گیرد، مگر این‌که انسان مرتکب گناه شود؛ گناه باعث تبدیل نعمت به نعمت می‌شود؛ چهارپایان، کودکان و پیران مانع عذاب اهل معصیت می‌شوند (همان، ص ۲۷۶).

رسول خدا ﷺ فرمود: امت من بر خیر هستند مادامی که همدیگر را دوست بدارند و همدیگر را هدیه دهند (یا هدایت کنند) و امانت را ادا نمایند و از حرام‌ها اجتناب کنند و مهمان را گرمی دارند و نماز را به‌پا دارند و زکات را پرداخت کنند و اگر چنین نکنند به قحطی و خشکسالی گرفتار گردند (عاملی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۲۱).

براساس آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام مصیبت‌ها و شروری که برای انسان‌ها رخ می‌دهد، نسبت به همه آن‌ها یکسان نمی‌باشد و با توجه به هر فردی نوع آن متفاوت است. برای برخی آزمایش، برای برخی دیگر عقوبت و برای بعضی افراد بالا بردن رتبه است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۱، ص ۱۹۸).

هم‌چنین نعمت‌های دنیوی برای برخی انسان‌ها پاداش نیت و اعمال صالح شمرده می‌شود،^[۳] اما برای بعضی افراد استدراج و عذاب تدریجی^[۴] خواهد بود.

اما خدای متعال دارای علم بی‌نهایت است و به همه چیز احاطه کامل دارد و هم او یگانه آفریدگار و مدبر جهان هستی است که همه چیز را براساس مصلحت؛ یعنی همراه با بیشترین کمالی که هر شیء دارد آفریده، امورات او را مقدر نموده است.

نزول بلا در امم سابقه

گاهی در بین مردم گناه یا گناهای رواج پیدا می‌کند به گونه‌ای که متراکم شده و موجب نزول بلاهای شدید و فراگیر می‌شود. ظاهر آیات این است که گناهان مردم علت تامه و حقیقی برای نزول عذاب یا بلا می‌شود. در قرآن به‌عنوان یک منبع معتبر



تاریخی، نمونه‌های متعددی در این باره ذکر شده است که به برخی موارد به اختصار اشاره می‌شود، از جمله:

- در سوره انفال نزول عذاب بر قوم فرعون و گذشتگان از اقوام دیگر را ذکر می‌نماید و سبب آن را ذنوب و گناهان ایشان ذکر می‌فرماید: (حال این گروه مشرکان) همانند حال نزدیکان فرعون و کسانی است که پیش از آنان بودند؛ آن‌ها آیات خدا را انکار کردند؛ خداوند هم آنان را به گناهانشان کیفر داد؛ خداوند قوی و کیفرش شدید است. این، به‌خاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد؛ جز آن‌کها آن‌ها خودشان را تغییر دهند و خداوند، شنوا و داناست! این، (درست) شبیه (حال) فرعونیان و کسانی است که پیش از آن‌ها بودند؛ آیات پروردگارشان را تکذیب کردند؛ ما هم به‌خاطر گناهانشان، آن‌ها را هلاک کردیم و فرعونیان را غرق نمودیم و همه آن‌ها ظالم (و ستمگر) بودند! (انفال: ۵۲-۵۴).

- در سوره اعراف داستان مستکبرانی را ذکر می‌کند که نبوت حضرت صالح را انکار می‌کنند و ناقه صالح را پی می‌کنند و از روی تمسخر درخواست عذاب می‌کنند: (ولی) اشراف متکبر قوم او، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: «آیا (به‌راستی) شما یقین دارید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟!» آن‌ها گفتند: «ما به آن چه او بدان مأموریت یافته، ایمان آورده‌ایم» متکبران گفتند: «(ولی) ما به آن چه شما به آن ایمان آورده‌اید، کافریم!» سپس «ناقه» را پی کردند و از فرمان پروردگارشان سرپیچیدند و گفتند: «ای صالح! اگر تو از فرستادگان (خدا) هستی، آن چه ما را با آن تهدید می‌کنی، بیاور!» سرانجام زمین لرزه آن‌ها را فرا گرفت و صبحگاهان، (تنها) جسم بی‌جان‌شان در خانه‌هایشان باقی مانده بود (اعراف: ۷۵-۷۸).

- درباره عذاب قوم شعیب می‌فرماید: اشراف زورمند از قوم او که کافر شده بودند گفتند: «اگر از شعیب پیروی کنید، شما هم زیان کار خواهید شد!» سپس زمین لرزه آن‌ها را فرا گرفت و صبحگاهان به‌صورت اجساد بی‌جان در خانه‌هایشان مانده بودند. آن‌ها که شعیب را تکذیب کردند، (آن‌چنان نابود شدند که) گویا هرگز در آن (خانه‌ها) سکونت نداشتند! آن‌ها که شعیب را تکذیب کردند، زیان کار بودند! (اعراف: ۹۲-۹۰).

- درباره قوم لوط و گناه همجنس‌بازان می‌فرماید: و (سپس چنان) بارانی (از سنگ) بر

آن‌ها فرستادیم؛ (که آن‌ها را درهم کوبید و نابود ساخت) پس بنگر سرانجام کار مجرمان چه شد! (اعراف: ۸۴).

- درباره قوم سبا می‌فرماید: برای قوم «سبا» در محل سکونت‌شان نشانه‌ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم با میوه‌های فراوان و به آن‌ها گفتیم: از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به جا آورید؛ شهری است پاک و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)! اما آن‌ها (از خدا) روی گردان شدند و ما سیل ویرانگر را بر آنان فرستادیم و دو باغ (پربرکت) شان را به دو باغ (بی‌ارزش) با میوه‌های تلخ و درختان شوره‌گز و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم! این کیفر را به خاطر کفران‌شان به آن‌ها دادیم و آیا جز کفران‌کننده را کیفر می‌دهیم؟! (سبا: ۱۷-۱۵).

- درباره قوم نوح می‌فرماید: و ما نوح را به‌سوی قومش فرستادیم و او را در میان آنان هزار سال مگر پنجاه سال، درنگ کرد؛ اما سرانجام طوفان و سیلاب آنان را فراگرفت در حالی که ظالم بودند. ما او و سرنشینان کشتی را رهایی بخشیدیم و آن را آیتی برای جهانیان قرار دادیم! (عنکبوت: ۱۵ و ۱۴).

نتیجه این می‌شود که به تصریح قرآن گناه و ظلم گسترده بشر سبب نزول بلا و عذاب جمعی می‌گردد.

ابزارهای ابتلای انسان

خداوند متعال برای آزمایش انسان‌ها از ابزارهای مختلفی استفاده می‌نماید: ترس، گرسنگی، نقصان در مال و جان و اولاد (بقره: ۱۵۵)؛ شکست در جنگ (آل عمران: ۱۵۲)؛ دسترسی به صید در حرم مکه حین احرام (مائده: ۹۴)؛ امتیاز برخی انسان‌ها نسبت به دیگران (أنعام: ۱۶۵؛ نمل: ۴۰)؛ رابطه و درگیری بین انسان‌ها (محمد: ۴)؛ مرگ و حیات (ملک: ۲)؛ زرق و برق و زینت دنیا (کهف: ۷)؛ شر و خیر (انبیاء: ۳۵)؛ خوبی‌ها و بدی‌ها (اعراف: ۱۶۸)؛ بیماری‌ها را می‌توان مصداق شر از جهتی یا مصداق نقص در نفس و جان دانست.

موانع نزول عذاب الهی

براساس آموزه‌های دینی برخی از امور مانع نزول عذاب الهی می‌شوند.
الف) قرآن می‌فرماید: «صرف وجود پیامبر رحمت ﷺ در میان امت مانع نزول عذاب می‌شود (انفال: ۳۳).

ب) توبه و طلب مغفرت مردم نیز مانع عذاب الهی است (انفال: ۳۳).
ج) سنت املاء و استدراج یکی از موجبات عدم تسریع در نزول عذاب است (آل عمران: ۱۷۸).

د) مشیت الهی (فاطر: ۴۵).
غرض از اشاره به این موارد آن است که ممکن است سبب عذاب در میان قومی فراهم باشد اما به دلیل مانع، بلا نازل نشود یا فراگیر نشود.

نزول بلا به مثابه یک قانون نه اتفاق

مضمون آیاتی که در مورد عذاب امم سابق وارد شده، حاکی از آن است که نزول عذاب یک قانون و بر اساس نظام علت و معلول است و اختصاص به زمان و مردم خاصی ندارد. برای نمونه به برخی از آیات اشاره می‌شود:

- در سوره هود خداوند مردم را برحذر می‌دارد که دچار عذابی مانند عذاب اقوام گذشته بشوند: «و ای قوم من! دشمنی و مخالفت با من، سبب نشود که شما به همان سرنوشتی که قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح گرفتار شدند، گرفتار شوید! و قوم لوط از شما چندان دور نیست! از پروردگار خود، آمرزش بطلبید و به سوی او بازگردید؛ که پروردگارم مهربان و دوستدار (بندگان توبه کار) است!» (هود: ۹۰ و ۸۹)

- آن مرد باایمان گفت: «ای قوم من! من بر شما از روزی همانند روز (عذاب) اقوام پیشین بیمناکم! و از عادت‌های هم‌چون عادت قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از آنان بودند (از شرک و کفر و طغیان) می‌ترسم و خداوند ظلم و ستمی بر بندگان نمی‌خواهد» (غافر: ۳۱ و ۳۰).

در موارد دیگر نیز بلا و کیفر را مجازات کفر، ظلم، جرم و ذنوب انسان می‌شمارد و این ملاک‌ها نسبت به همه جوامع عمومیت دارد: ﴿ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِمَا كَفَرُوا﴾؛ (سبأ:

(۱۷)؛ ﴿فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾ (عنکبوت: ۱۴)؛ درباره قوم لوط ﴿فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ﴾ (اعراف: ۸۴)؛ ﴿فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ﴾ (انفال: ۵۲)؛ ﴿فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ﴾ (انفال: ۵۴).

از موارد مذکور و آیات مشابه، به دست می‌آید که عذاب‌های نازل شده بر اقوام گذشته، اختصاصی به آن‌ها نداشته، بلکه مصداق تحقق یک سنت الهی بوده است.

تأثیر گناهان جدید در پیدایش بلایای جدید

با توجه به این که در فهم متدینان این معنا به صورت مثلی کوتاه رایج است که هر گناه جدید، بلای جدید می‌آورد. می‌توان گفت اعمال خوب و بد انسان در صلاح و فساد امور عالم مؤثراند و نقش علی نسبت به پیامدهای خود دارند؛ هر گناهی در پیدایش یک یا چند بلا و آفت خاص نقش دارد؛ چنان که در روایات معصومان علیهم‌السلام به موارد فراوانی اشاره شده است؛ از جمله:

- زنا موجب اموری مانند فقر و کوتاهی عمر می‌شود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: یا علی در زنا شش خصلت است: سه در دنیا و سه در آخرت. اما آن چه در دنیا است: آبرو را می‌برد و مرگ را سرعت می‌بخشد و روزی را قطع می‌کند و آن چه در آخرت است: سخت‌گیری به هنگام حساب، خشم خداوند مهربان و ماندگاری در آتش است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۶۷).

- قطع رحم موجب مرگ زودرس و فقر و کوتاه شدن عمر می‌شود. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: به یقین قطع رحم از گناهایی است که فنا و مرگ را جلو می‌اندازد و عمر را کوتاه می‌کند و موجب تهیدستی می‌شود (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۷۳، ح ۱۶۲۸۸ و ج ۲۱، ص ۵۳۷، ح ۲۷۷۹۹). از حضرت علی علیه‌السلام نقل شده که قطع رحم موجب فقر می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۹۱، ح ۱۲).

- ترک امر به معروف موجب فرمانروایی اشرار و عدم استجاب دعا می‌شود. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر را وامگذارید که در آن صورت، بدترین شما بر شما حاکم خواهند شد؛ آن گاه دعا می‌کنید، اما مستجاب نمی‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۵۴، ح ۷).

- ترک زکات موجب تلف شدن مال می‌شود و پرداخت آن موجب حفظ مال و مداوای



افراد مریض می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اموال خود را با زکات حفظ کنید و بیماران تان را با صدقه درمان کنید و هیچ مالی در خشکی و در دریا از بین نمی‌رود، مگر به علت ندادن زکات (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۲۴، ح ۱۱۴۲۷).^[۵]

بنابراین پیدایش آفت و بلای جدید در اثر گناه و عصیان جدید به عنوان علتی که به هر حال نتیجه خاص خودش را دارد، امری بر طبق قاعده است، کما این که ترک هر گناهی موجب کاهش بلا یا بلاهای خاصی می‌شود.

ممکن است گفته شود که به طور قطع هر گناهی اثری دارد، اما این که اثر این گناه، یک بلای جدید و بی سابقه باشد، از این استدلال به دست نمی‌آید.

در پاسخ می‌گوییم این اشکال وارد است؛ مگر این که بگوییم مراد از احداث بلا، بلای دیگر و مازاد باشد، نه این که لزوماً یک فساد بی سابقه و نو باشد؛ به عبارت دیگر ممکن است فقر و کوتاهی عمر از جانب گناه «الف» قبلاً پدید آمده باشد، اکنون یک فقر و کوتاهی عمر دیگر نیز از جانب گناه «ب» پدید آید. الآن احداث یک بلای جدید و آثار جدید شده که غیر از نتایج گناه قبلی است و ما کم و کیف این نتیجه را نمی‌شناسیم؛ اما بلای پدید آمده، نو و بی سابقه نیست.

البته برای این که بگوییم کرونا به عنوان یک بیماری و رنج که منشأ ضرر جسمی مالی، فرهنگی، سیاسی، اخلاقی و غیره شده است می‌تواند عقوبت گناهان برخی انسان‌ها باشد، لزومی ندارد که بر نو بودن آن گناه و جدید بودن این بیماری تأکید کرد. به هر حال یک آسیب و نقص در بدن است که می‌تواند وسیله کیفر، امتحان و ارتقا قرار گیرد.

نکته دیگر این که باید دید آیا بشر اصولاً گناه تازه‌ای انجام می‌دهد یا نه؟ البته شخص گناه در هر عملی متفاوت است؛ اما نوع گناه شاید بتوان گفت ثابت و یکسان است. مثلاً گناه شهوترانی و سوء استفاده از غریزه جنسی یک نوع از گناهان است. این مدل می‌تواند با خودارضایی یا رابطه با غیر همسر، یا با همجنس یا با حیوان یا اخیراً با ابزار و عروسک و جسم بی جان باشد. این گناه اخیر به یک معنا جدید است و با نگاهی دیگر و عام‌تر عصیان در مورد غریزه جنسی و تکراری است.

همین نکته را درباره شرور و بلایا نیز می‌توان گفت. گرفتن جان و مرگ می‌تواند یک بلا باشد. همین بلا ممکن است به انحاء مختلف رخ دهد، مثلاً امروزه با ابزارهای

نویسن مثلاً اتومبیل، قطار و هواپیما یا برق و ... این مرگ یا بیماری از یک جهت ثابت و تکراری، از جهتی دیگر متفاوت و نو است.

در این باره روایت خاصی وارد شده است که در این جا به نقل و بررسی سند و دلالت آن می‌پردازیم.

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثْمِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ هِلَالٍ الشَّامِيِّ مَوْلَى لَأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَاءَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ كُلَّمَا أَحْدَثَ الْعِبَادُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَحْدَثَ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۷۵).

راوی اول: نام احمد بن محمد الکوفی که در منابع رجالی اولیه بدون مدح و ذم آمده است برای همین مرحوم مامقانی در تنقیح المقال فی علم الرجال می‌نویسد: غیر از سخن شیخ در رجالش که وی از اصحاب امام کاظم علیه السلام است، سخنی درباره وی پیدا نکردم (مامقانی، ۱۴۳۱ق، ج ۸، ص ۵۵).

راوی دوم: علی بن الحسن المیثمی نیز مجهول است؛ یعنی نامش در کتب رجال آمده، اما مدح و ذمی ندارد و برخی گفته‌اند «میثمی» اشتباه است و درستش «تیمی» است که مراد علی بن الحسن بن علی بن فضال است.

بر فرض پذیرش این نگاه، وی فطحی مذهب اما ثقة است؛ البته از افراد ضعیف هم روایت می‌کند (حلی، ۱۳۸۱، ص ۲۹۹؛ قهپایی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۱۸۰).

راوی سوم: العباس بن هلال الشامی: وی از اصحاب امام رضا علیه السلام است (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۶۱؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۸۲). حسین ساعدی وی را از ضُعفا دانسته است؛ زیرا کسی وی را توثیق نکرده و علاوه بر آن مدح هم نکرده است (ساعدی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۲۰۷)، علامه مجلسی سند این حدیث را مجهول دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۴۲۹). بنابراین بر فرض که علی بن الحسن همان ابن فضال فطحی ولی ثقة باشد، باز به خاطر دو راوی دیگر که مجهول هستند، سند حدیث ضعیف است.

در سند شیخ صدوق در «علل الشرائع» و سند شیخ طوسی در «الامالی» نیز عباس بن هلال شامی وجود دارد که در واقع اصل سند یکی بیشتر نیست. این یعنی



سند از حیث فنی و علم رجال قابل استناد نیست.

یکی از بزرگان حوزه در مباحث اخلاقی خود این روایت را ذکر کرده و صحت آن را ارسال مسلم گرفته است، در حالی که سند روایت دارای مشکل است. اما متأسفانه ایشان بحث دقیق سندی و دلالتی ارائه نکرده‌اند.^[۶]

جمع‌بندی

گناهان بشر بدون تردید موجب بلایا و مفسد فراوانی در نظام خلقت می‌شود. گناهان فردی و اجتماعی بشر، مفسد دنیوی و اخروی فراوانی به دنبال دارد. تبیین علل مادی و توجیهات علوم تجربی منافات و تعارضی با تحلیل‌های معنوی و غیبی ندارد. علوم تجربی و دانش روز نمی‌تواند تأثیر رفتارهای بشر و سایر امور یا نقش خداوند را در پیدایش امور نفی کند. گناهان بشر نوعاً شبیه گناهان سابق است و تأثیر برخی از رفتارهای جدید را در پیدایش مدل جدیدی از عذاب و بلا به‌طور دقیق و مشخص نمی‌توان ادعا و اثبات کرد. ناشی شدن یک بلا و بیماری جدید را نمی‌توان نتیجه قطعی یک گناه بی‌سابقه دانست.

پی‌نوشت

[۱]. نباید غفلت کرد که آن‌چه ما جزء علل تامّه می‌شماریم و می‌گوییم با داشتن چوب و کبریت و اکسیژن و عدم عایق، حتماً آتش خواهیم داشت، همه حقیقت نیست، بلکه یک عامل اصلی وجود دارد که آن اراده و امضای الهی است و باید ضمیمه هر علتی در عالم بشود؛ (مسبب الأسباب) در حقیقت علت اصلی و تنها علت اوست؛ هیچ عاملی بدون إذن او تأثیر نخواهد داشت و لکن به جهت مسلم بودن و همگانی بودن اراده الهی، از ذکر آن خودداری می‌شود.

[۲]. ماده فلسفی با ماده فیزیکی، دو اصطلاح مختلف هستند که برای توضیح بیشتر باید به بحث ماده و صورت در کتب فلسفی مراجعه کرد. ضمناً به نظر برخی

فلاسفه ماده یا هیولی وجود ندارد و در نتیجه به جای علل چهارگانه، علل سه‌گانه داریم (ر.ک: مصباح‌یزدی، آموزش فلسفه، درس ۶، ص ۱۷۲-۱۷۷).

[۳]. ما را به راه مستقیم هدایت فرما. راه کسانی چون پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان که به‌خاطر شایستگی‌شان به آنان نعمت عطا کردی (حمد: ۶ و ۷).

[۴]. کسانی که کافر شده‌اند هرگز گمان نکنند مهلتی که به آن‌ها داده‌ایم به سود آن‌هاست. ما به آن‌ها مهلت دادیم تا گناهان‌شان را بیشتر کنند و برای آن‌ها عذابی خوارکننده است (آل عمران: ۱۷۸)؛ امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: زمانی که خداوند برای بنده‌ای بر اثر طغیانگری او شری بخواهد اگر گناهی کرد نعمتی به او می‌دهد تا استغفار را فراموش کند و به راه خود ادامه دهد و این همان چیزی است که خداوند فرموده است: ما آن‌ها را از آن‌جا که نمی‌دانند تدریجاً به سوی عذاب می‌بریم به این گونه که هنگام معصیت به آن‌ها نعمت می‌دهیم (کافی، ج ۲، باب استدراج، حدیث یک).

[۵]. برای توضیح بیشتر (ر.ک: محمدحسین آسوده، *عواقب گناهان و راه نجات در روایات*، قم: دلیل ما، ۱۳۸۸).

[۶]. <https://www.neshasteasatid.com/node/3057>

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. حلی، حسن بن یوسف، *ترتیب خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال*، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۱.
۲. ساعدی، حسین، *الضعفاء من رجال الحديث*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ۱۴۲۶ق.
۳. سبحانی تبریزی، جعفر، *اعجاز و گزاره‌های علمی، کلام اسلامی*، شماره ۱۴، ۱۳۷۴.
۴. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، غفاری، علی اکبر، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳.
۵. طباطبایی، سید محمد حسین، *تفسیر المیزان*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ق.
۶. ———، *ترجمة المیزان*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴.
۷. طوسی، محمد بن حسن، *أمالی*، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۸. ———، *رجال الطوسی*، تصحیح: قیومی اصفهانی، چاپ سوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۷۳.
۹. عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۰. ———، *ترجمة وسائل الشیعة*، ترجمه علی صحت، تهران: ناس، ۱۳۶۴.
۱۱. عبودیت، عبدالرسول، *فلسفه مقدماتی*، چاپ سوم، قم: مؤسسه امام خمینی (ره) و سمت، ۱۳۹۶.
۱۲. قهپایی، عنایة الله، *مجمع الرجال*، چاپ دوم، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۴.
۱۳. کریمی، حمید، *کلام اسلامی (۱)*، چاپ دوم، قم: دارالفکر، ۱۳۹۷.



۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الكافی*، تصحیح: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامی، ۱۴۰۷ق.
۱۵. گلشنی، مهدی، *علم و دین در افق جهان بینی توحیدی*، تهران: دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۹۸.
۱۶. مامقانی، عبدالله، *تنقیح المقال*، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۳۱ق.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تصحیح: رسولی محلاتی، هاشم، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی، *آموزش فلسفه*، چاپ دوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۲۰. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، چاپ ششم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۵.

